

آینده

مجله سیاسی، ادبی و اقتصادی مصور

مؤسس و نگارنده :

دکتر فشار

مجلد دوم (شماره ۹)

نمره مسلسل ۲۱

آذرماه ۱۳۰۶ش - رجب ۱۳۴۶ق

ژانویه ۱۹۲۸م

تاریخچه سیاست روسیه در ایران

-۲-

معاهده ترکمان جای

سیاست صلح جویانه،

بعد از معاهده گلستان ۱۸۱۳ ایران از لحاظ نظامی خیلی ضعیف شده بود (۱) روسیه نیز که از جنگهای ناپلیون تازه فارغ شده حاجت به آرامش و تقویت خود داشت. بنا بر این طبیعتاً دوره صلحی شروع شد، اما بیش از ۱۳ سال دوام ننمود.

(۱) ولی با وجود ضعف قوای ایران در آن ایام، بوجوب شرحی که ژنرال گاردان فرانسوی در سال ۱۸۰۸ مسیحی راجع بقشون ایران نوشته در مقایسه با زمان های بعد بی اهمیت نبوده است. ژنرال گاردان که ریاست هیئت اعزامی فرانسه را در ایران داشت گذشته از جنبه دیپلوماسی مأموریت تعلیم و «رفورم» قشون ایران را نیز دارا بود و بنا بر این چون مطلع و متخصص بوده نوشته او قابل توجه است.

خلاصه گاردان چنین مینویسد: لشکر سواره ایران نسبتاً خوب بود، عده آن صد و چهل و چهار هزار نفر میباشد. اگر چه نظم زیاد نداشتند ولی سواران ممتازی بودند. لشکر پیاده شصت هزار نفر ولی ارزشی نداشتند. تفنگهای آنها کهنه و سنگین برای قراول رفتن میباشد. روی آلتی نصب نمایند. میتوان گفت که توپخانه نداشتند اگر چه دارای ۴۵۰۰ نفر توپچی بودند، ولی توپها را گاوها میکشیدند و گلوله نیز همیشه در محل خروج از توپ میترکید و از خود ایرانیان که نزدیک بودند بیشتر میکشت تا از دشمنان که دور بودند. بعضی از توپها را نیز روی شترها حمل میکردند ولی هر گاه حیوان بد بخت مجروح میشد غضبناک گردیده خود را بمیان قشون انداخته موجب بی نظمی کامل میشد، و غالباً اینطور بود.

پس از گذشتن این مدت روسها بازبنای بهانه گیری را گذاشته و مدعی شدند که ناحیه شمال غربی دریاچه گنگ چای (سونگا) به آنها متعلق است و حال آنکه در حقیقت تعلق بایران داشت. « افکار عمومی » در ایران بی اندازه از اجحافاتی که روسها نسبت باهالی مخصوصاً ایرانیان مسلمان قفقاز مینمودند بر آشفته بود. فتحعلی شاه که قشون خود را بطرز نظام اروپا منظم کرده بود تصور میکرد که باندازه کافی برای مقابله با روسها و پس گرفتن کرجستان قوی میباشد. از طرف دیگر پادشاه روسیه اسکندر اول نیز وفات کرده (۱۸۲۵) و برادرش نیکلای اول معروف به (تزار آهنین) جانشین او شده بود (۲) نیکلای طبیعت دیگری بود: جسور و قوی الاراده، حتی حادثه جو و خیلی طالب شهرت و افتخارات. همینکه بسلطنت رسید « التیماتومی » بدولت عثمانی فرستاد و در سرحدات پروت تجهیزاتی نمود. در جنوب قفقاز نیز جنگ با ایران را در سر اختلافات سر حدی تجدید کرد.

در این جنگ جدید ابتدا ایرانیها بعضی پیشرفتها داشتند. عباس میرزای ولیعهد از ارس عبور کرده بطرف رود کور و تفلیس پیش رفته يك قسمت از اراضی را که بواسطه مرأهده گستان ایرانیها از دست داده بودند در ثانی مسخر نمود....

اما متعاقب این پیشرفتها بزودی شکست هائی بقشون ایران وارد آمد. سردار روسی ژنرال پاسکریچ (۳) بسال ۱۸۲۶ در گنجه عباس میرزا را مغلوب کرد، در اواخر سال بعد عباس آباد و سردار آباد را متصرف شد و در ۱۳ اکتبر ۱۸۲۷ بواسطه گرفتن شهر ایروان

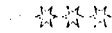
(۲) نیکلای اول فرزند پول اول در سال ۱۷۹۶ در پترزبورغ متولد

شده و از سال ۱۸۲۵ تا ۱۸۵۵ سلطنت نمود. شروع سلطنت او با فتح ایروان مقارن و پایان آن با شکست کریمه مصادف بود.

(۳) Paskiévitsh

معروف بایروانسکی (۴) گردید. تبریز هم بدست او افتاد و از آنجا بطرف طهران پیش رفت

عباس میرزا پیشنهاد صلح کرد و در دهخوارقان میانه او و یاسکویچ ملاقات و مذاکره صلح شد. اما معاهده صلح قطعی ۲۲ فوریه ۱۸۲۸ در ترکمن‌چای امضا گردید. بموجب این عهدنامه سرحدات حالیه ایران حدود دولتین تعیین شد و قفقازیه شرقی از مصب ترك تا مصب استارا بطور قطعی بتصرف روسیه درآمد. متن این معاهده در شماره ۱۵ و ۱۶ همین مجله مندرج است. اینک ذیلا نتایج سیاسی آن را بطور خلاصه بیان میکنیم.



عهدنامهٔ ترکمن‌چای

معاهده ترکمن‌چای که قریب يك قرن دستور روابط روس و ایران بود اهمیت زیادی در تاریخ سیاسی و دیپلماسی ایران دارد. این معاهده نقطه شروع يك سلسله مداخلات و تجاوزات سیاسی قضائی و اقتصادی روسیه در ایران میباشد. پس بغیر از شهرها و ایالاتی که معاهده ترکمن‌چای از ایران منتزع نموده و بغیر از خسارت جنگ هنگفتی که بر ایران تحمیل کرده این معاهده ایران را سیاسة حقوقاً و اقتصاداً در تحت فشار سختی در آورده بود. بعد از این معاهده ایران دیگر نتوانست در برابر همسایه قوی پنجه خود بچنگد یا ایستادگی کند. این عهد نامه شروع انحطاط سیاسی ایران میباشد. در یئو^(۵) در کتاب « مسئله شرق » میگوید: « ایران در منطقهٔ نفوذ روس غرق شد » و « دارمستتر » (۶) در کتاب خود موسوم به « نظری بتاریخ ایران » مینویسد:

(۴) Erivansky

(۵) Driault

(۶) Darmesteter

« سفیر تزار در طهران در حکم یکنفر سرپرست انگلیسی نزدیک راجه هندی میباشد ». این دونفر نویسنده شاید تا حدی راه اغراق پیموده باشند، زیرا این وضعی را که اشاره میکنند وقتی ممکن بود کاملاً ایجاد شده باشد که در طهران سفیر انگلیس رقیب نماینده روسیه نبوده و سیاست موازنه و رقابتی در کار نباشد. بواسطه این رقابت که دیپلماسی ایران نیز در تشدید آن گاه بگاہ دانسته یا ندانسته کمک مینمود، و البته بایستی کمک نماید، ایران توانست باز چندی امر ارحیات کند، اما طبعاً زندگانی ضعیفی میان دو رقیب قوی پنجه چندان گوارا نبوده است.

تصرف قفقازیه شرقی بدست روسها از برای ایران تنها فقدان يك قسمت از متصرفاتش نبود، بلکه دری از خانه او را بر روی دشمن باز مینمود. بی مناسبت نبوده که مورخین شهر دربند را در شمال قفقاز دروازه ایران نامیده اند.

همان اوقات که روسها از «ترك» در طول بحر خزر بطرف ارس پائین میآمدند و ایران را بجنوب این رود خانه میافکنند در طرف مغرب نیز از «کوبان» بجانب «چوروك» (۷) در ساحل شرقی بحر سیاه پیش میآمدند و ترکها را از ممالک چرکس و ابخز و گرجستان غربی عقب مینشانیدند. بموجب معاهده ادرنه ۱۸۲۹ قسمت عمده قفقاز غربی نیز بحیطه تصرف آنها در آمد و باین طریق مالک مطلق قفقازیه شدند. خلاصه، تسخیر این مملکت یکی از وقایع مهم تاریخ جدید است. این تنگه بری مسلط است بر بحر خزر و بحر اسود که بزرگترین رودهای روسیه در آنها داخل میشود. قفقازیه بواسطه این دو حوضه بزرگ وصل میشود از یکطرف به اناتولی و مدیترانه و اروپا از طرف دیگر بایران و هندوستان و بقیه بر آسیا.

یکی از نویسندگان روسی با يك حس خود خواهی منی، ولی نه چندان غیر منطقی، تنگه بری قفقاز را « جبل الطارق » روسیه در مشرق زمین نامیده است ! یکی از سفرای قدیم انگلیس در ایران (سر جان مک نیل) (۸) مؤلف کتاب « پیشرفت روسیه در شرق » بمناسبت تسخیر قفقاز از طرف روسها چنین گفته است : « این پیش آمد موازنه قوا را در دنیا تغییر میدهد ! »



« نفوذ صلح جویانه » یا تسخیر اقتصادی ایران

بعد از معاهدههای ترکمن چای سیاست روسیه در ایران شکل تازه‌ای بخود گرفت. روابط روس و ایران از دایره سیاسی نظامی خارج شده داخل در جنبه سیاسی اقتصادی گردید. روسها نواحی وسیعی از خاک ایران را تصاحب کرده بودند. بموجب معاهدات صلح و تجارچی ۱۸۲۸ امتیازات سیاسی و اقتصادی مهمی را از برای خود تأمین نموده و میخواستند موقع خود رامحکم نمایند. پس بدون آن که از نظریات و مطامع سیاسی تاریخی خود که نفوذ بطرف جنوب است دست کشیده باشند آنرا بشکل دیگری تعقیب مینمودند. از این زمان دوره تسخیر تجارچی، الحاق اقتصادی و اضمحلال تدریجی یا بکلمه معمول و مشهور دوره « نفوذ صلح جویانه » (۹) شروع شده است. از این بیعد هنگام گرفتن امتیازات همه نوع (بانک، راه، معادن و غیره) است. حتی روسها سعی میکردند که خود را در نظر اروپائیها پیشروان تمدن در ایران جلوه بدهند.... بهر حال نیکلای اول معروف به « تزار آهن » میخواست خود را در ایران « تزار صلح » قلمداد کنند.

(۸) Sir John Mac Neil

(۹) Pénétration pacifique



وقه روش و خط سیر جدید سیاست روس فقط چند
گری بانیفد ماهی بعد از صلح ترکمن چای در موقع کشته
شدن سفیر و اجزاء سفارت روس در طهران معلوم گردید. شرح واقعه
آنکه نماینده سیاسی روس گری بانیفد (۱۰) که از ادبای محترم
روسیه بود با ۳۷ نفر از همراهانش باستثنای يك منشی سفارت در
يك بلوای عام که در نتیجه بد رفتاری های سفیر مذکور و جهالت عوام
تولید شده بود در طهران کشته شدند. این حادثه قطعاً بهانه مناسبی
بدست روسها میداد، و برای روشن کردن آتش جنگ وسیله خوبی
بود، معهداً نظر بمصلحت سیاست جدید خود از آن استفاده خشن
نمودند، بمعذرت های رسمی ایران قناعت کرده و فقط تبعید یکی از
محرکین عمده و یکی از آخوندها همچنانکه قتل یکی از مجرمین را
خواستار شدند. طبعاً این طرز رفتار از طرف روسیه که در جنگ
غالب شده بود اسباب تعجب شاه گردید. فتحعلی خسرو میرزا را برای
معذرت خواهی بدربار روسیه فرستاد. شاهزاده ایرانی را همه جا در
آن مملکت با احترامات زیاد پذیرائی کردند. هنگام ملاقات از طرف
تزار هیچ اشاره بواقعه حزن آور طهران نشد. در موقع عزیمت نماینده
شاه امپراطور روسیه چهار گروز از هشت گروز باقی مانده خسارت
جنگ را که بموجب معاهده ترکمن چای بایران تحمیل کرده بودند
صرف نظر کرد.

فتحعلی که از فرانسه و انگلیس در عالم مودت امتحانات
خوبی ندیده بود دست محبتی را که با این همه لطف تزار روسیه
باو دراز کرده بود از خود دور نکرد، خصوصاً که میدانست برای او
ممکن نیست یکبار دیگر در میدان جنگ با حریف خود روبرو شود

معینا بعد از این حادثه باز موقعی پیش آمد که فاصله از جنگ بیش از دو قدم نبود. چگونگی واقعه آنکه چون روسها در بالکان با عثمانیها زدو خورد داشتند، در طهران گمان کردند میتوان از این موقع استفاده کرد، ولی يك مکتوب سخت از طرف فرمانده قوای روس پاسکویچ. فاتح ایروان و تبریز، بعنوان عباس میرزا، درباریان طهران را از اشتباه بیرون آورد و متنبه نمود. در قسمت آخر مکتوب چنین مسطور است - ترجمه میشود :

مکتوب پاسکویچ «... شاه معظم پدر شما میخواهد شروع به عباس میرزا بچنگ نماید. ولایات سرحدی ما جز ساخلوی قلعهجات قشونی برای دفاع ندارد. پس شما متوانید در ماه ژوئن وارد مملکت بی دفاع ما بشوید و آنرا غارت کنید، ولی نمیتوانید استحکامات آنرا تصرف نمایید و جرئت پیشرفتن و در قفا گذاشتن این استحکامات خوفناک را هم نخواهید نمود... در ماه اکتبر وقتی که کوهها در زیر برف است من بطرف تبریز حمله خواهم برد... آذربایجان را خواهم گرفت بدون اینکه هرگز آنرا بشما بس بدهم. دیگر امید رسیدن به تخت و تاج سلطنت از برای شما نخواهد ماند. سالی پیش نخواهد گذشت که سلسله قاجاریه از سلطنت کردن محروم گردد. استقلال سیاسی شما در دست ماست. ایدواری های شما باید بروسیه باشد. روسیه می تواند خرابی شما را تسریع کند، تنها روسیه میتواند شما را حمایت نماید... نه وعده های انگلستان و نه بیانات عثمانیها، هیچ کدام را باور نکند. انگلیسها از شما دفاعی نخواهند نمود. سیاست آنها جز مستملکات هندوستان چیزی در نظر ندارد. ما میتوانیم در آسیایمکتبی را مسخر کنیم و هیچکس هم نمی بخورد راه نخراهد داد. در فرنگستان هر گره زمین ممکن است باعث جنگهای خونین بشود: عثمانی برای موازنه اروپا لازم است، ولی دول اروپا نگاه نمیکند به بیندگی در ایران حکومت میکند...»

مکتوب پاسکویچ همانند درسی بود که بدربار ایران داده باشند.

گوئی این درس را چنان آموختند که دیگر هرگز آنرا فراموش نمودند....
روز بروز اقتدار و نفوذ روسیه در ایران افزون گردید .



در اواخر سلطنت فتحعلی شاه روسها دارای نفوذ زیادی شده و انگلیسها از این جهت کم کم خیلی متوحش گردیدند . برای جلوگیری از آن در سال ۱۸۳۴ باروسها یاد داشتهائی رد و بدل کردند وقراری گذاردند که استقلال ایران را طرفین احترام کنند . اما این قرارداد اگر میتوانست مانع نفوذ نظامی روسها شود و نگذارد اراضی دیگری را از ایران بگیرند طبعاً نمیتوانست مانع نفوذ « صلح جویانه » و تسخیر اقتصادی آنها گردد . بلی ، « دوستی » روس و ایران ، یعنی نفوذ روس در دربار شاه ، روز بروز رو بافزایش بود . در زمان محمدشاه روسیه مخصوصاً برای رسیدن بمقاصد خود در قفقاز و ترکستان محتاج بدوستی ایران بود ، اگر چه روسها موفق به بیرون کردن ایرانیها و عثمانیها از قفقاز گردیده بودند ولی کوهستانیهای مسلمان قفقازیه مخالفت شدید و مقاومت طولانی با آنها نمودند . قهرمان این معرکه يك نفر از رؤساء داغستانی موسوم بامام شامل علی بود که با يك نظم و شجاعت قابل تحسینی مدت ۲۵ سال با آنها جنگ و گریز کرد . روسها مجبور بفرستادن دویست هزار نفر قشون بقفقازیه شدند و خسارات زیاد متحمل گردیدند تا آنکه در سال ۱۸۵۹ جنگ بتسلیم شدن شامل خاتمه یافت . از طرف دیگر روسها که مایل بتسحیر ترکستان بودند لازم داشتند که شاه ایران با آنها دوست باشد .

وقتی که نیکلای اول به قفقازیه مسافرت کرد بملاقات محمدشاه اظهار میل نمود . شاه پسر خود ناصرالدین میرزا را (که بعدها ناصرالدین شاه شد و در آنوقت هفت ساله بود) بایروان نزد نیکلای اول فرستاد .

تزار شاهزاده زبا با محبت زیاد پذیرفت. یکی از مورخین مینویسد، که او را در آغوس گرفته و باو گفت: از عموی خود هر چه میل داری بخواه، هیچ چیز در باره تو مضایقه نخواهم داشت.

در زمان سلطنت ناصرین شاه نفوذ روسیه زیاد تر گردید. حاجت دائمی این شاه بپزل او را کاملاً تابع اراده قرض دهندگان روسی خود نمود ...

خلاصه از يك شاه بشاه دیگر سیاست نفوذ صلح جویانه روسیه در ایران کاملتر شد. حتی حکومت روس قناعت بجلب کردن شاه و وزراء را بسوی خود ننموده سعی در جذب قلوب ملت ایران نمود. بگفته ویکتور برار (۱۱) در کتاب «شورش آسیا» «سردم خراسان در موقع هر مرض و با یا طاعون اطباء روسی را بمعیت قزاقان روس که بعیادت آنها آمده بودند بیالین خود مشاهده میکردند، حتی تاخط سیستان اطباء روسی مجاناً دوا و غذا بمردم میدادند و آنها را پرستاری میکردند. قزاق در اینجا با يك غرابت خارق عادتى مبدل به «خواهر پرستار» شده بود!»

از طرف دیگر حکومت روسیه يك هیئت مذهبی بایران فرستاده بود تا کلدانیها نصرانی ایران را که اصلاً از نژاد سامی آشوری میباشند و از کشتار عثمانیها فرار کرده در آذربایجان مخصوصاً در ناحیه ارومیه سکونت دارند، به مذهب «ارتدکسی» تبلیغ نمایند و آنها را از جنبه مذهبی روس کنند.

باز به منفعت نفوذ صلح جویانه خود بود که بعضی مدارس در ایران دائر نموده بودند و یکی از آنها در طهران موسوم بمدرسه «اقبال» بود. قنسولها و اگسنتهای آنها، چه روسی و چه ایرانی تبعه روسیه، در اغلب شهر های ایران مقیم و بیشتر این قنسول خانه ها دارای طبیب

مخصوص بودند. در غالب شهر های ایران اشخاص زیادی را روسها به تبعیت خود در آورده و از بسیاری دیگر حمایت میکردند.

«بریکادقزاق» يك مؤسسه نظامی که با یول و افراد ایرانی ولی
بفرماندهی صاحبمنصبان روسی اداره میشد «بریکاد
ایران»

قزاق ایران « بود که در سال ۱۸۷۹ ناصرالدین شاه آنرا تأسیس نمود .
تعلیم و انتظام این قشون بموجب يك كمنطراتی بصاحبمنصبان روسی
محول گردیده بود . ا. که چه بموجب ماده ۷ این كمنترات که بین وزارت
خارجہ ایران و سفارت روس مقیم طهران بامضاء رسیده بود ككنل كماندان
(فرمانده) روسی مكلف بود که در کلیه اموری که مربوط بخدمت اوست
موافق دستورالعملهای وزارت جنگ ایران که تابع آن است و از آنجا
حقوق میکیرد رفتار نماید ، اما صاحب منصبان بریکاد قزاق کم خود را
بکلی از وزارت جنگ ایران مستقل نموده و جیره و مواجب خود را نیز
مستقیماً از بانگ استقراضی روس ، که آن نیز از عایدات گمرکات شمالی
ایران در یافت مینمود ، در حساب دولت ایران میکرفتنند . افراد و تائینها
نیز اگر چه تبعه ایران و سرباز ایرانی بودند ولی بهیچوجه در تحت امر
وزارت جنگ نبودند . قوای نظیر قزاقهای مرکزی در نقاط دیگر مخصوصاً
مشهد و غیره نیز وجود داشت تا شهرت قدرت و عظمت تزار را در
اطراف ایران منتشر نمایند . در حقیقت این قشون بمنزله بیش قراول
نظامی نفوذ جویانه روسیه در ایران بود .

باین لحاظ میتوان گفت که « بریکاد قزاق ایران » بکنوع امتیاز
نظامی و سیاسی بود که روسها در ایران داشتند . خوشبختانه روسیه
تزاری واژگون شد و همان بریکاد قزاق در تحت اداره بکنفر از صاحب-
منصبان ایرانی خود ، رضا خان سابق و رضا شاه ام وز ، مبدل بششون
ملی ایران گردید ، همچنانکه « بانگ روس » نیز « بانگ ایران » شد .
غیر از این « امتیاز نظامی » که روسها در ایران داشتند امتیازات

اقتصادی مهمی نیز دارا بودند که فیلا بعضی از آنها اشاره میشود.

آنها درست فهمیده بودند و سیاست « نفوذ صلح جوانه » آنها بیش از سیاست خشن جنگی آنها را بمقصود و مطلوب نزدیک مینمود، زیرا توپ و تفنگ آنان در مقابل سیاست اقتصادی انگلیس که تدریجاً در تمام ایران نفوذ مینمود، کاری نمیتراست؛ نه از سر مایه انگلیس جلو گیری داشت که چون خون در عروق ایران جاری شود و نه مانع اسکانس های بانک انگلیسی بود که بجای پول رسمی رائج گردد، و بالاخره مانع فروش مال التجاره بریطانی در بازار های ایران یا حمل محصول ایران با کشتیهای انگلیسی از بندر خلیج فارس بود. روسها کم کم متوجه شدند که با وسائل اقتصادی، از ایجاد طرق تجارتنی، معاملات مالی و صرافتی، تشبثات صنعتی و استخراج معادن و گرفتن امتیازات همه نوع، بهتر میتوان مملکت را مسخر نمود. بنا بر این کم بتسخیر اقتصادی ایران بستند.

«بانک استقراضی» در سال ۱۸۹۱ يك بانک روس باهم فرانسه ایران « Banque de Prêts » تأسیس گردید. بعد اسم آن تغییر کرد و موسوم به «بانک استقراضی ایران» شد. در سال ۱۸۹۹ حکومت روسیه تمام اسهام بانک را خریداری و احتکار کرد و باین طریق بانک استقراضی در حقیقت يك شعبه بانک دولتی روسیه گردید. این مؤسسه برای آن تاسیس شده بود که بشاه و اشخاص دیگر هر کس و هر نوع قرض بدهد و با بانک شاهنشاهی ایران که يك مؤسسه انگلیسی است رقابت نماید. اگر بانک روسی همیشه معاملات مالی و اقتصادی یر منفعتی نمیکرد ولی کاملاً بمقاصد سیاسی که برای آنها ایجاد شده بود موفق گردید.

در سیاست مالی خود روسها بعکس انگلیسها «سخی و کربم» بودند.... و چرا نباشند؟ زیرا مبالغ گراف از فرانسه قرض میکردند بدون فکر و علاقه که بکروز باید پس بدهند (همانطور که بالاخره ندادند) در اینصورت چرا يك مقدار از آنها بکار سیاست شرفی خورد که فوق العاده

